

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

## Bloomberg

## همکاری ایران، آمریکا و اعراب در غنی‌سازی؟

رئیس‌جمهور دونالد ترامپ مدام می‌گوید «خیلی خوشحال» خواهد شد اگر بتواند با ایران به توافق برسد. ایران هم به چنین توافقی نیاز دارد تا از بمباران شدن توسط اسرائیل یا خفگی اقتصادی با ادامه تحریم‌های سازمان ملل متحد اجتناب کند. اگر گزارش‌ها از تهران صحیح باشند، این فشارها ممکن است انگیزه ایران برای ایده‌ای نامتعارف شده باشند که ارزش شنیدن دارد: آن‌ها می‌خواهند نه علیه دشمنان‌شان که با آن‌ها کار کنند تا برنامه هسته‌ای ایران را بسازند. این ایده پردازی، سرمایه‌گذاری مشترکی تصور می‌کند، بین ایرانی‌ها، سعودی‌ها و اماراتی‌ها و نیز سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، شامل شرکت‌های آمریکایی. این کنسرسیوم جدید به غنی‌سازی اورانیوم خواهد پرداخت. چون ایرانی‌ها، عرب‌ها، آمریکایی‌ها و دیگران با هم کار خواهند کرد، به آسانی می‌توان بررسی و تأیید کرد که برنامه اتمی ایران غیرنظامی می‌ماند.

در نگاه اول، این ایده عجیب‌وغریب به نظر می‌رسد. چطور ممکن است دشمنانی خونی، دقیقاً حول همان چیزی همکاری کنند که آن‌ها را به آستانه جنگ کشانده؟ اما در نگاه دوم، شاید جسارت محض این ایده همان چیزی باشد که مذاکرات هسته‌ای نیاز دارد تا قفلش باز شود. پیشنهاد ایران به نوعی یادآور «سازمان زغال‌سنگ و فولاد اروپا» است که در سال ۱۹۵۱ بنا شد، با شش بنیانگذار و با رهبری فرانسه و آلمان که سه جنگ سخت بر سر همین موضوع داشتند و به‌سختی می‌توانستند یکدیگر را چیزی به جز دشمن ببینند. دولت‌مردان فرانسوی مثل ژان مونه و رابرت شومن، برای پرهیز از جنگ چهارم، اختیار مشترک این مواد خام جنگ‌افزارها را پیشنهاد کردند و رهبران آلمانی مثل کنراد آدنauer، مشتاق به آشتی با همسایگان‌شان، موافقت کردند. برخلاف همه تصورات، این سازمان در نهایت به اتحادیه اروپای امروز تبدیل شد. امروز اورانیوم و پلوتونیم همانی‌اند که آن زمان، زغال‌سنگ و فولاد بودند؛ البته این‌ها بسیار خطرناک‌تر از زغال‌سنگ و فولاد هستند. هیچ‌کس هم نمی‌گوید که خاورمیانه می‌تواند اتحادیه اروپای جدید شود؛ با این حال، این ایده، ظرفیت جذابی دارد. اولاً این ایده، ماندگاری ابدی خواهد داشت. در مقابل، برجام محدودیت‌ها را تا سال ۲۰۳۰ برمی‌داشت. دیگر اینکه این ایده بزرگ‌ترین موانع سر راه مذاکرات را برمی‌دارد یا دور می‌زند. ایرانی‌ها مدت‌هاست بر حقیقتان برای غنی‌سازی اصرار دارند، کاری که هم آن‌پی‌تی و هم برجام اجازه‌اش را داده‌اند. در این کنسرسیوم، آن‌ها همچنان خواهند توانست چنین کنند؛ اما شرکایشان و ناظران بیرونی هم خواهند توانست بررسی و تأیید کنند که اورانیوم فقط در سطوح پایینی غنی می‌شود که برای کلاهک‌های جنگی مناسب نیست. سعودی‌ها و اماراتی‌ها هم خیلی این ایده را خواهند پسندید. آن‌ها هم می‌خواهند وارد بازار انرژی هسته‌ای شوند و اورانیوم لازم خواهند داشت. می‌توانند غنی‌سازی خودشان را شروع کنند، مثل برزیل و ژاپن؛ اما این باعث می‌شود آن‌ها هم اگر از ایران یا کسی دیگر احساس تهدید کردند، به‌سرعت بمب خودشان را بسازند. این به گسترش تسلیحات هسته‌ای در دنیا شتاب خواهد داد. در سناریوی پیشنهادی، به جای این کار آن‌ها سهم خودشان را از کنسرسیوم برداشت می‌کنند.

و ترامپ؟ او می‌خواهد ثابت کند (مخصوصاً به کمیته جایزه صلح نوبل) که «صلح‌آفرین» است و البته توافق‌سازی تمام‌عیار. دائمی‌بودن این توافق جدید به او اجازه خواهد داد ادعا کند در مذاکره به نتیجه‌ای رسیده، بهتر از برجامی که خودش در دور اول لغو کرده بود. وقتی کسب‌وکارهای آمریکایی در این کنسرسیوم باشند هم اومی‌تواند به آن همه پولی اشاره کند که آن‌ها به زودی جمع خواهند کرد.

به‌راحتی می‌توان چشم‌انداز چنین کنسرسیومی را نامحتمل دید و تصور کرد خاورمیانه با نفرت‌های باستانی و سلاح‌های مرگبارش، آماده و در مسیر جنگی بزرگ است؛ اما در سال ۱۹۵۱ هم همین‌را درباره اروپا می‌گفتند. ترامپ باید آماده این بماند که اگر لازم شد از قدرت استفاده کند، اما اول باید این ابتکار ایران را مطالعه کند.



# ترجیحات واشنگتن

## بررسی دیدگاه مدیر پروژه امنیت خاورمیانه شورای آتلانتیک

عکس: AFP



روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی

موضوع احتمالاً فاصله خطوط قرمز است. هر چه از شروع گفت‌وگوهای ایران و ایالات متحده بر سر برنامه هسته‌ای ایران بگذرد، احتمال بیشتری مطرح می‌شود که در این مرحله، دو طرف به تقاطع اصلی اختلافی رسیده‌اند. فاصله آنچه را به عنوان خطوط قرمز مطرح می‌شود را بررسی می‌کنند و میزان انعطاف‌پذیری لازم در هر طرف برای رسیدن به توافق را پیدا می‌کنند. شاید با پذیرش این ملزومات، به توافق نزدیک می‌شوند، شاید با ممکن ندیدن این انعطاف‌پذیری‌ها به نقطه شکست گفت‌وگوها نزدیک می‌شوند و شاید یک گام بینابینی برای آزمایش یکدیگر را ممکن یا لازم می‌بینند و توافقی موقت تنظیم می‌کنند. در این میان، خالی از فایده نیست که مرور کنیم، از نظرگاه آمریکایی، وجود یا نبود چه ویژگی‌هایی در هر توافق احتمالی می‌تواند باعث شود این توافق خوب یا بد توصیف شود. جانائان پنیکاف، مدیر پروژه امنیت خاورمیانه اسکوکرافت در شورای آتلانتیک و کارشناس ارشد مرکز ژئواکونومیک همین اندیشکده، سناریوهای محتمل در توافقات را مرتب کرده و توضیح داده که هر کدام از آن‌ها از لحاظ مطلوبیت برای ایالات متحده چه نمره‌ای می‌گیرند. با مطالعه نوشته او، تفاوت جدی نظرگاه دو طرف و محدودیت جدی گزینه‌های مرضی‌الطرفین مشخص‌تر می‌شود. در ادامه، مقاله او که در وب‌سایت شورای آتلانتیک منتشر شده را خواهیم خواند و پس از هر بخش، به بررسی معنا و مفهوم نوشته‌های پنیکاف و نشانه‌های دوری و نزدیکی هر سناریو را دنبال می‌کنیم:

نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاور میانه ووزیر خارجه ایران، یکشنبه گذشته برای چهارمین بار جلسه داشتند. دیدار استیو ویتکاف و عباس عراقچی، با توافق بر سر چارچوب تمام‌نشد، اما اظهاراً به اندازه کافی پیشرفت بوده که مذاکرات ادامه یابند و شاید دو طرف در اختلافات کلیدی به هم نزدیک‌تر شده باشند. این پیشرفت به‌رغم این رخ داده که موضوع گیری‌های علنی هر دو طرف، خط قرمزهای متناقض را برجسته کرده. این حاکی از این است که یک یا هر دو طرف حاضرند از آنچه در انتظار عمومی می‌گویند، انعطاف‌پذیرتر باشند. ممکن است به این معنا هم باشند که با ایران یا ایالات متحده، مطمئن هستند که می‌توانند دیگری را قانع کنند از

موضع فعلی‌اش عبور کند.

برای جمعیت کثیری که از بیرون به‌روند مذاکرات نگاه می‌کنند، سوال اساسی همین‌جاست. در نگاه اول، اگر آنچه در مواضع دو طرف دیده می‌شود، به همان شکل ظاهری تمام و کمال پذیرفته شود، جای چندی برای گفت‌وگو نمی‌ماند؛ اما اینکه گفت‌وگوها در این مقطع هنوز ادامه دارد، در حالت خوش‌بینانه یعنی یک یا دو طرف بیش از آنچه می‌گویند، آمادگی دارند و در حالت بدبینانه یعنی یک یا دو طرف، بیش از آنچه باید، امیدوارند. اصل آنچه ناظران در بررسی اخبار مذاکرات جست‌وجوی می‌کنند، همین است که کدام حالت به واقعیت نزدیک‌تر دیده می‌شود.

اگر ایران و ایالات متحده از این اختلافات بگذرند و به توافق برسند، چطور خواهیم دانست این توافق خوبی بوده است؟ این راهنمای من برای نمره‌ده‌ادن به نتایج بالقوه مختلف در این مذاکرات با اهمیت بالاست:

### الف: حل مسئله هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای

تقریباً قطعی است که مسئله برنامه هسته‌ای ایران نقطه تمرکز گفت‌وگوهاست و این قابل‌درک هم هست، با توجه به اینکه ایران به داشتن اورانیوم غنی شده کافی جهت ساخت بمب نزدیک است؛ اما اگر واقعاً این تنها موضوعی باشد که روی میز است، جداکردن بحث از تلاش‌های جمهوری اسلامی در جهت پیشبرد برنامه موشکی بالستیک، نفوذ منفی منطقه‌ای، عملیات تروریستی و کارزارهای ترور و گروگان‌گیری در جهان خطا خواهد بود؛ خطایی که باعث می‌شود یک توافق عالی که ارزش نمره الف را داشته باشد، از میان برود. با تلاش برای توافقی محدود که منحصر به مسئله هسته‌ای است، ترامپ تضمین خواهد کرد که بیشتر یا همه آن چالش‌های دیگر رسیدگی نشده بر جا خواهد ماند، درست همان‌طور که پس از برنامه جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ (برجام)، به آن‌ها رسیدگی نشد. این یعنی موضع ایران در منطقه تقویت خواهد شد و منطقه به‌طور کلی ناامن‌تر خواهد بود.

از ادبیات همین بند هم می‌شود چنین برداشت کرد که خود نویسنده هم امید چندی ندارد که توافقی جامع و مانع در این مذاکرات حاصل شود و طبق آن، همه خواسته‌ها و آرزوهای ایالات متحده درباره ایران نیز برآورده شود. از یک نگاه ادامه مذاکرات به این معناست که موضوع گفت‌وگوها، چیزی است که امکان گفت‌وگو درباره‌اش وجود دارد و شناس توافق هم؛ به‌علاوه، محدودیت زمانی جدی نیز طبعاً باعث می‌شود دو طرف، اگر واقعاً به امید توافق وارد گفت‌وگوها شده باشند، بلندترین مسیر ممکن را

Atlantic Council



## شاید ترامپ در راه رسیدن به توافق با ایران بر سر برنامه هسته‌ای‌اش باشد، اما جزئیات تعیین می‌کند که در این آزمون نمره قبولی بگیرد یا نه



از میان مسیرهای کوتاه‌برگزینند. تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد که ایران و آمریکا بتوانند در فاصله چند هفته‌ای، اختلافات‌شان را درباره اسرائیل، فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ترکیه، خلیج فارس و... به نتیجه نهایی و جامع برسانند.

در عین حال، نشانه‌هایی دیده می‌شود که در حاشیه این گفت‌وگوها یا پیش از آن‌ها، خواه در نتیجه تعامل مستقیم، خواه در نتیجه تصمیمات مستقل و خواه در نتیجه اجبار روند‌ها، اتفاقاتی افتاده که تنش وضعیت را بسیار کمتر کرده است. بخش بزرگی از اختلافات ایران و آمریکا در سال‌های گذشته، امروز خود به‌خود با موضوع شده‌اند: حماس در فلسطین آسیب‌جدی دیده، حزب‌الله در لبنان ضربات سنگینی دریافت کرده، بخش مهمی از قدرت خود را از دست داده و به تعامل و تحمل در مواجهه با دیگران رسیده، حوثی‌ها در یمن، خواه طبق برخی گزارش‌ها با اشاره ایران و خواه با تصمیم خود، با آمریکا وارد آتش‌بس شده‌اند، حشدالشعبی و دیگر نیروهای مورد حمایت ایران در عراق، در روند ادغام کامل در ارتش و خلع سلاح هستند، ریاض در مسیر بهبود روابط با تهران است، ابوظبی و تهران دیگر درگیری با یکدیگر ندارند، سوریه، متحد اصلی پیشین ایران در منطقه، اساساً کشور دیگری شده است که در حال حاضر تعاملی هم با ایران ندارد و ماه‌هاست برخلاف خواست برخی در تهران، ایران حمله‌دو باره‌ای به اسرائیل نکرده و به‌نظر می‌رسد این گزینه در ایران بایگانی شده باشد. به عبارت دیگر، این احتمال وجود دارد که لااقل در مقطع فعلی، واشنگتن حاضر باشد بدون بحث درباره مسائل منطقه‌ای با ایران توافق کند، به این دلیل که دیگر نیازی نبیند ایران را وادار به تغییر صحنه‌ای کند که به اندازه کافی تغییر کرده.

### ب: برچسب کامل

اگر ترامپ بخواند توافقی خوب و نمره «ب» کامل بگیرد، باید تضمین کند که ایران برنامه هسته‌ای‌اش را کاملاً برمی‌چیند و از حق غنی‌سازی برای برنامه هسته‌ای غیرنظامی دست می‌کشد. ایران ادعا می‌کند، هدف برنامه فعلی‌اش این است اما می‌شود بدون غنی‌سازی هم انرژی هسته‌ای داشت. کشورهای دیگر سوخت هسته‌ای را وارد می‌کنند، از راکتورها می‌گذرانند و سوخت مصرف‌شده را به می‌دآوری می‌گردانند. البته چنین توافقی هم به تنهایی برای کسب نمره «ب» کافی نخواهد بود. ایران باید این را هم بپذیرد که همه سانت‌ریفیو را تسلیم کند و اجازه‌دهد این سانت‌ریفیو‌ها از کشور خارج شوند. این سانت‌ریفیو‌ها برای چرخش اورانیوم و ساخت یک دستگاه هسته‌ای پایدار به کار

خواهد شد که هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم.

▲ [در نشست مشترک با هیئت کنفرانس بین‌المللی پوگواش:] جمهوری اسلامی ایران برای اعتمادسازی در مورد تداوم ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود کاملاً آمادگی دارد، اما نمی‌تواند در مورد حق مسلم و قانونی ملت ایران برای برخورداری از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز - به شمول غنی‌سازی که طبق معاهده عدم اشاعه به هر کشور عضو اعطا شده است - مصالحه کند.

▲ **علی شمخانی، مشاور سیاسی رهبری** و به روایتی، مسئول هیئتی که بر روند مذاکرات نظارت دارد، در صحبت‌هایی با رسانه آمریکایی آن‌پی‌سی‌نیوز مواضع ایران را شرح داد. جایگاه شمخانی در ساختار حکومتی ایران و نزدیکی او به شخص رهبری باعث جلب توجه بسیار به حرف‌های او شد تا جایی که رئیس‌جمهور آمریکا آن را بازنشر کرد. اهم مواضع او عبارت‌اند از: ▲ ایران حاضر است، تهدید دهد که هرگز سلاح هسته‌ای نسازد، ذخایر اورانیوم غنی‌شده در سطح بالا را رها کند، بپذیرد که فقط در سطح



## تا کیدات تهران

عدم اشاعه نیز از آن برخوردار هستند.

▲ [در غرفه وزارت خارجه در نمایشگاه کتاب:] هیچ یک از تأسیسات هسته‌ای جمع‌آوری نخواهد شد. ▲ ایران منعی برای حضور اقتصادی شرکت‌های آمریکایی ندارد و این منع را خود آمریکایی‌ها وضع کرده‌اند. ایران از سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکا در صنایع نفت و گاز استقبال می‌کند. ▲ من مطمئن نیستم که دیدگاه‌های آقای دکتر شمخانی به‌درستی از سوی رسانه آمریکایی منعکس شده باشد یا خیر. با این حال، موضع ما کاملاً روشن است: ما در برابر رفع تحریم‌ها آمادگی داریم که در خصوص برنامه هسته‌ای خود اعتمادسازی و شفاف‌سازی انجام دهیم. ▲ اگر به یک چارچوب تفاهم و توافق برسیم، مسائل دیگری نیز مطرح

در روزهای گذشته، مقاماتی که از دور یا نزدیک، از بالا یا پایین در مسیر مذاکرات نقش آفرینی یا اطلاع دارند، در تریبون‌های مختلف، باز به تبیین خواسته‌ها و خطوط قرمز ایران پرداخته‌اند که مروری بر آن‌ها را در ادامه می‌خوانید:

▲ **سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه و رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران** در روزهای اخیر برخی توقعات ایران را به صراحت تبیین کرده است:

▲ [در صفحه ایکس، توییتر سابق:] این را به‌روشنی می‌گویم: هیچ سناریویی وجود ندارد که در آن ایران از حق خود برای غنی‌سازی با اهداف صلح‌آمیز، که به سختی محقق شده است، چشم‌پوشی کند، حقی که همه دیگر اعضای معاهده

